

زاغه نشینی مقدمه آسیب های اجتماعی و ایجاد ناامنی های اجتماعی

(نمونه مورد بررسی شهر یاسوج)

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۷/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۶/۲۴

سید امیر نظری^۱

قربانعلی حیدری منصورآباد^۲

سیدعلی غفاری^۳

چکیده:

هرگاه سخن از مقوله حاشیه نشینی به میان می آید نباید آسیب های اجتماعی مرتبط با این مساله را نیز از نگاه تیزبینانه خود دور نگه داشت. حاشیه نشینی مقدمه ای بر آسیب های اجتماعی است. در مباحث مرتبط با جامعه شناسی شهری، حاشیه نشینی به آن بخش از زیست شهری اطلاق می شود، که در حومه شهرها، تعدادی خانوار بدمسکن، یک مرکز جمعیتی یا شهرک مانندی را به وجود آورند. در ایران بعد از وقوع اصلاحات ارضی، این پدیده رخ عیان کرد. در جهان امروز پدیده حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی در مادر شهرها و کلان شهرها امری اجتناب ناپذیر و از جمله چالش های فرا روی مدیریت شهری است. آهنگ شتابان مهاجرت های بی رویه از روستا به شهر علاوه بر دامن زدن به نابسامانی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاشیه نشینی شهری را نیز پدید آورد. این مقاله به بررسی حاشیه نشینی به عنوان یک چالش در جهت توسعه پایدار شهری می پردازد و آسیب های اجتماعی آن را مورد بررسی قرار میدهد در این ارتباط علل، مکانیسم و پیامدهای حاشیه نشینی در یاسوج با استفاده از رویکردهای کیفی و کمی مورد کند و کاو و بررسی قرار می گیرد. یافته های این پژوهش نمایانگر این است که بخش عمده اسکان های غیررسمی شهر یاسوج ناشی از مهاجرت های روستا به شهری است. حاشیه نشینی از شهر و محله زندگی خود رضایت بالایی ندارند و از احساس تعلق شهروندی پایینی برخوردارند بنابراین برای رسیدن به توسعه پایدار و رشد متوازن شهری باید به این ناهنجاری شهری رسیدگی و آن را در فرآیند توسعه شهر ساماندهی کرد.

کلمات کلیدی: آسیب اجتماعی، امنیت، حاشیه نشینی، شهرنشینی، مهاجرت

۱- کارشناس دفتر تحقیقات کاربردی (نویسنده مسئول)

۲- رئیس دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد

۳- کارشناس ارشد، طراح شهری (ali.ghaffari۶@yahoo.com)

مقدمه

براساس برآوردهای سازمان بین المللی فعال در زمینه اسکان بشر، حدود یک چهارم جمعیت جهان فاقد خانه ای در خور زندگی انسانی بوده اند، که در برگیرنده دامنه گسترده ای از بی سرپناهان و خیابان خواب ها تا آلودگ نشینان بوده و این نسبت برای کشورهای جنوب در حال افزایش است. کمیسیون جهانی آینده شهرها در قرن ۲۱ هشدار داده بود که به موازات رشد ابر شهرها فقر شهری افزایش یافته و بخش عمده ای از رشد شهرنشینی بر پایه اقتصاد غیررسمی و همراه با گسترش سکونتگاه های غیررسمی صورت خواهد گرفت و این گرایش را غیر رسمی شدن شهر نشینی نامیده است. از این رو می بینیم که حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی مسأله ای گذرا و با ابعاد محدود نبوده است و رهیافت ها و اقدامات جدیدی را می طلبد (صرافی، ۱۳۸۱: ۵)

عناصر تشکیل دهنده حاشیه نشینی و سرچشمه اصلی آن را در دو مسئله زیر می توان خلاصه کرد:

۱. شرایط نامطلوب زندگی اقتصادی و اجتماعی حاشیه نشینان شهری
 ۲. مهاجرت روستاییان به شهرها، به ویژه شهرهای بزرگ بر اثر شرایط نامناسب فعالیت های اقتصادی و زندگی اجتماعی در روستاها (یوسفی، ۱۳۸۱)
- در ایران حاشیه نشینی از ویژگی های جدایی ناپذیر رشد شهری است که در سالیان اخیر به دلیل افزایش مطالبات اجتماعی در این مناطق و با توجه به تجربه چند دهه گذشته بیشتر مورد توجه محققان و کارشناسان واقع شده است. امروزه در جهان، توسعه و توسعه خواهی به جنبشی فراگیر و جهانی تبدیل شده است و اغلب دولت ها به مقتضیات خود خواهان توسعه می باشند. در این میان مراد از توسعه بسیار متفاوت است. از گذران امور گرفته تا فراغت، از فقر مطلق تا بهبود دسترسی به خدمات اساسی اقتصادی و اجتماعی و نیز بهبود مستمر و ارتقای مداوم کیفیت زندگی در این مقوله می گنجد.

طبق آخرین سرشماری صورت گرفته در شهر یاسوج این شهر ۵۶۸ هزار نفر جمعیت دارند و هر روز نیز بر تعداد این افراد اضافه می شود امام نکته نگران کننده این است که رشد جمعیت در مناطق مسکونی غیرمجاز و یا همان حاشیه نشینی در یاسوج از رشد افسار گسیخته ای برخوردار است که علیرغم تمام تلاش های صورت گرفته مهار آن به

رویایی برای مسئولان شهر تبدیل شده است و از حاشیه نشینی به عنوان یکی از مهم ترین تهدیدهای شهر یاسوج یاد می شود. بنابراین در این پژوهش هدف بررسی مناطق حاشیه شهر یاسوج و ارائه راهکارهایی جهت پایایی و متوازن کردن آن ها هم جهت با توسعه پایدار شهر می باشد.

چهارچوب نظری

توسعه پایدار

اصطلاح توسعه پایدار یا پایا در اوایل سال های دهه ۱۹۷۰ درباره محیط و توسعه به کار رفت. حوزه مهمی که توسعه پایدار روی آن تأکید دارد، مسایل محیطی است از آن زمان سازمان های بین المللی که خواهان دستیابی به محیطی مناسب و مساعد برای توسعه سودمند بودند نام خاص و ویژگی های آن ها در راهبرد توسعه پایدار نمود یافت. به کار بردن واژه توسعه پایدار بعد از کنفرانس ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲ در محافل علمی فراگیر شد (ضرابی و اذانی، ۱۳: ۱۳۸۰). البته منظور از توسعه پایدار، حفاظت صرف از محیط زیست نیست. بلکه مفهوم جدیدی از رشد اقتصادی است که عدالت و امکانات زندگی را برای تمامی مردم جهان و نه تعداد اندکی از افراد برگزیده فراهم می کند.

در سال ۱۹۹۲ در «کنفرانس زمین» توسعه پایدار چنین تعریف شد: رفع نیازهای نسل حاضر بدون مصالحه با نسل های آینده درباره نیازهای آن ها. کمیسیون جهانی محیط زیست، توسعه پایدار را این گونه تعریف کرد: «توسعه پایدار فرایند تغییری است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه گذاری ها، سمت گیری توسعه تکنولوژی و تغییری نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد». کمیسیون «برانت لند» درباره توسعه پایدار می گوید: «توسعه پایدار به عنوان یک فرایند که لازمه بهبود و پیشرفت است. فرایندی که اساس بهبود وضعیت و از میان برنده کاستی های اجتماعی، فرهنگ جوامع پیشرفته است و باید موتور محرکه پیشرفت متعادل، متناسب و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمام جوامع و بویژه کشورهای درحال توسعه باشد. از جمله جنبه های مهم تأمین حداقل نیازها برای اجرای توسعه پایدار، موارد زیر است:

- ۱- حذف فقر ۲- کاهش رشد جمعیت ۳- توزیع منطقی منابع ۴- تمرکز زدایی ۵- داشتن مردمی سالم تر و آموزش دیده تر ۶- تفهیم بهتر تفاوت اکوسیستم.

حاشیه نشینی و توسعه پایدار شهری

امروزه پدیده شهرنشینی کره زمین را تسخیر کرده است (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۱۳). توسعه فیزیکی شتابان و نامتعادل شهرها، پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و کالبدی به همراه داشته است. یکی از آثار و پیامدهای توسعه فیزیکی ناموزون و نامتعادل شهری، حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی است.

حاشیه نشینی دو وجه بیرونی و درونی دارد. معمولاً وجه بیرونی و ظاهر آن مورد توجه عموم مردم و مبنای قضاوت درباره این پدیده است. افراد در این وضعیت در مناطقی اقامت می کنند که با جامعه میزبان ارتباط کمی دارند و بین محل سکونت آن ها و منطقه اصلی شهر نوعی جدایی وجود دارد. این امر ممکن است به دلیل وضعیت نامطلوب اقتصادی و عدم توانایی مالی خانواده ها باشد که به علت هزینه بالای زندگی قادر به زندگی در مناطق اصلی شهر نیستند. علت دیگر آن وجود موانع جذب در جامعه میزبان است. از آن جا که بسیاری از مناطق سنتی به آسانی نمی توانند وجود این مهاجرین را بپذیرند، لذا آنان به مناطقی روی می آورند که امکان کنترل های اجتماعی و هنجاری کمتری دارند. و این مناطق بیشتر در حاشیه شهرهای بزرگ قرار گرفته اند.

اما وجه درونی حاشیه نشینی با نظام فرهنگی اجتماعی و نیز موقعیت روانی افراد مرتبط است بر این اساس وضعیت حاشیه نشینی آن گونه که رابرت پارک (۱۹۸۱) بیان می دارد شرایط یا عالمی است برزخ گونه که فرد را از نظر اجتماعی و فرهنگی به حالت تعلیق در می آورد. فرد خود را در شرایطی می یابد که در آن روابط اجتماعی و ارزش های فرهنگی و ملی تا حدودی دستخوش تزلزل شده، ولی روابط و ارزش های دیگری هنوز به طور کامل جایگزین آن ها نشده است. به اعتقاد وی چنین فردی در برخورد فرهنگ ها حالت کناره گیری از خود نشان می دهد و نمی تواند در متن جامعه با عقیده راسخ به فعالیت خود ادامه دهد. به عبارت دیگر، به علت ناباروری نسبت به ارزش ها و بیگانگی با موقعیت جدید فرد از جامعه کناره می گیرد و در حالتی معلق در حاشیه اجتماع می نشیند (جمشیدی و عنبری، ۱۳۸۳: ۵۵).

حاشیه نشینی یکی از پاشنه آشیل های توسعه پایدار شهری تلقی می شود و براساس مصوبات برنامه هزاره سازمان ملل بایستی تا سال ۲۰۱۵ میلادی دست کم ۱۰۰ میلیون زاغه نشین از امکانات بهداشتی، مسکن و فرصت های نوین آموزش برخوردار شوند. در ایران میزان شهرنشینی از حدود یک پنجم کل کشور جمعیت کشور در نود سال پیش، اکنون به بیش از دو سوم رسیده و رقم مطلق شهرنشین با بیش از ششصد درصد رشد نسبت به سال پایه ۱۳۳۵ شمسی از حدود ۵/۹ میلیون نفر به بیش از ۳۶ میلیون نفر

رسیده است. بدون شک شهرنشینی تمام شئون زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است (نقدی، ۱۳۸۲: ۲).

اسکان غیررسمی به سبب ایجاد فقر و گسترش آن و نیز به مخاطه انداختن محیط زیست و تحمیل هزینه های سنگین برای حل مشکلات، تهدیدی جدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری تلقی شده به گونه ای که نیاز جدی به اتخاذ تدابیر ویژه ای برای ساماندهی وضعیت کنونی و جلوگیری از گسترش آن در آینده بایستی در دستور کار مدیران و دولتمردان قرار بگیرد.

حاشیه نشینی، چالش ها و مسائل آن در شهر یاسوج

در حاشیه ی شهر زندگی می کنند، البته زندگی که نه، فقط نفس می کشند، گذران روزهایی سخت و با ترس و لرز و گاهی یواشکی! صاحب یک چهار دیوارین اما نه امن و قانونی، نه مستحکم و زیبا، گاهی غیرقانونی و سست بنیان!!! آرزویشان است برای یک بار هم که شد در کمال آرامش زندگی کنند، دوست دارند نگاه شهروند درجه چندم به آن ها نشود، می خواهند از بهترین امکانات شهری بهره مند شوند و هزار و یک حرف دیگر... آری حاشیه نشینی و حاشیه نشینان بدون آن که خود بخواهند به بزرگترین معضل جامعه ی امروزی تبدیل شده اند.

حاشیه نشینی به نحوی که جغرافیای فیزیکی شهر را دستخوش ناهمگونی و ناهنجاری های شدید کرده است. زندگی حاشیه ای از یک سو می تواند تهدیدهایی برای نظام شهری به شمار رود و از سوی دیگر به حاشیه راندگی، مسائل و مشکلات زیادی نیز برای ساکنان این مناطق به همراه دارد. با توجه به اهمیت این موضوع، در این جا به بررسی ابعاد مسئله آفرین آن در شهر یاسوج پرداخته می شود.

کارشناسان شهری یاسوج دلیل مهاجرت بی رویه به این شهر را خشکسالی در روستاها و شهرستان های استان کهگیلیویه و بویراحمد و در نهایت مهاجرت بی رویه به شهرها می دانند از سوی دیگر توزیع مناسب امکانات و هم چنین سیاست های غلط در ارائه برخی خدمات از جمله آبرسانی، گازرسانی و برق رسانی به شهرک های غیرمجاز و حاشیه ای می دانند که به گونه ای مردم را برای حاشیه نشینی در اطراف یاسوج ترغیب کرده است.

روش تحقیق، شاخص ها و معیارهای مورد بررسی

روش تحقیق در این مطالعه از نوع پیمایشی است و با استفاده از روش های نمونه گیری با ۷۵ نفر سرپرست خانوار در مناطق حاشیه نشین یاسوج مصاحبه به عمل آمد. برای

سنجش روایی پرسشنامه از روش روایی محتوا و برای محاسبه میزان روایی از روش سیگما شمارشی استفاده گردید.

تجزیه و تحلیل مناطق حاشیه‌نشین یاسوج

توسعه شهر یاسوج در طول تاریخ تحت تأثیر راه‌های ارتباطی با مناطق اطراف و سایر نقاط کشور قرار داشته است. توسعه پیوسته و نسبتاً متراکم شهر یاسوج در خارج از حصار قدیمی و حدفاصل بین دو کمر بند شمالی-جنوبی صورت گرفته است. این بخش را می‌توان توسعه پنجاه سال گذشته یاسوج دانست و به همین دلیل آثار و طرز فکرهای مختلفی که در این دوره حاکم بوده است در بافت و فضای شهری آن منعکس گردیده است.

بافت چند قومیتی و ویژگی‌های فرهنگی متفاوت

عموماً مناطق حاشیه‌نشین دارای بافت و ترکیب چند قومیتی می‌باشند و همین وضع سبب تنش‌ها و تعارض‌ها و حتی نزاع‌های پراکنده ی قومی در این مناطق شده است. هم‌چنین در مناطق حاشیه‌نشین خرد فرهنگ‌های خاص مناطق کوچک هر یک از خانوارها که قبلاً ساکن آن بودند مشاهده می‌شود و اجتماعاتی در دل جامعه رخ عیان می‌کند. این فرهنگ‌ها بسیار دیر جذب فرهنگ‌های شهری می‌شوند و این امر و نیز فقر فرهنگی افراد امکان نفوذ از نظر فرهنگی و اجتماعی را در آن‌ها برای اجرای برنامه‌های مختلف اجتماعی، چون بهداشت و تنظیم خانواده و غیره مشکل می‌کند. خصایص کنش روستایی که سنخیتی با زیست شهر ندارد، به شاکله عقیدتی زیست شهری مبدل می‌شود.

از دیدگاه روانشناسی محیطی، انسان‌ها به تجربه حسی، عاطفی و معنوی خاص نسبت به زندگی نیاز دارند. این نیازها از طریق تعامل صمیمی و نوعی همذات‌پنداری با مکانی که در آن سکونت دارد، قابل تحقق است.

در تفسیرهای امروزی حس مکان چیزی است که افراد در دوره زمانی خاص می‌آفرینند و نتیجه رسوم و اتفاقات تکراری است و حال و هوای محیط را توصیف می‌کند و بعضی از مکان‌ها آن چنانی احساسی از جاذبه دارند که به فرد نوعی احساس وصف‌نشده القا کرده و او را سرزنده، شاداب و علاقمند به بازگشت به آن مکان‌های می‌کنند که حس مکان نامیده می‌شود. در واقع می‌توان گفت که حس مکان انگیزه ماندگاری افراد را در یک محیط خاص تقویت با افزایش می‌دهد. در مناطق حاشیه‌نشین یاسوج تعلق به مکان بسیار پایین می‌باشد. زیرا اکثر افراد ساکن در محل را اکثراً مهاجرین تشکیل می‌

دهند و پایه های ذهنی و فرهنگی آن ها در این محله ریخته نشده، خاطرات مشترک ندارند پس سرزندگی و جذابیت لازم برای زندگی و افزایش کیفیت زندگی را ندارد. هر خانواری که به این مناطق می آید با خود فرهنگ خاصی آن هم با توجه به فرهنگ غالب در شهر یا روستا یا عشیره خود به همراه دارد این فرهنگ ها پس از مدتی در فرهنگ قدیمی تر ذوب می شوند هر چند برخی خرده فرهنگ های موجود گویش و ادبیات این مناطق است، نوع رانندگی، نوع لباس پوشیدن، نوع مراسم عروسی، پایبندی به اصول لوتی گری و لاتی، رفیق بازی، نگهداری برخی حیوانات و هزاران مسئله دیگر که انسان را به تامل و می دارد.

مسائل جمعیتی

از جمله مسائل جمعیتی شهر یاسوج مهاجرت روستا به شهر و اسکان آن ها در مناطق حاشیه شهر می باشد. طبق آماری که اعلام شده است این شهر در سال ۹۰ دارای ۳ هزار حاشیه نشین بوده است که این افزایش یافته و این روند رشد هم چنان ادامه دارد. ترکیب سنی جمعیت در این مناطق نشان می دهد که علی رغم جوان بودن بیشتر سرپرست خانواده ها بعد خانواده وسیع است. متوسط تعداد جمعیت هر خانوار حدود ۴/۱ می باشد که با در نظر گرفتن مساحت کم منازل موجود در مناطق حاشیه نشینی به تراکم بیش از حد جمعیت در این مناطق پی خواهیم برد. بر این اساس می توان گفت: هنوز ساکنان این منطق الگوی باروری روستایی خود را حفظ کرده اند و سطح باروری بالایی را تجربه می کنند.

مسکن و تسهیلات آن

رشد روزافزون شهرنشینی، مسائل و مشکلات جدید و خاصی را در زندگی روابط انسان ها به وجود آورده است. یکی از عمده ترین این مشکلات مسئله مسکن می باشد (طالقانی، ۱۳۶۹: ۱). سیمای مسکن و تجهیزاتی که مراتب رفاه و آسایش ساکنین را فراهم می کند ناشی از وضع اقتصادی صاحبان آن ها می باشد. به همین دلیل نامتعارف ترین و غیراستاندارترین خانه ها در مناطق شهری متعلق به حاشیه نشین ها است. براساس بررسی های انجام شده تراکم بالای افراد در واحدهای مسکونی، تعداد اندک اتاق، برپایی خانه های یک شبه ساز و ساخت و سازهای غیر مجاز مسکن با مصالح کم دوام و غیراستاندارد، عدم برخورداری واحدهای مسکونی از حداقل تسهیلات و ضروریات زندگی و تحمیل هزینه های سنگین بر ساکنان محروم این مناطق از ابعاد مسئله آفرین پدیده مسکن در مناطق حاشیه شهر یاسوج می باشد.

بافت مسکونی درهم و بی ضابطه، فرسودگی بناها، نمای نامطلوب ابنیه و سیمای شهر و تشدید ترافیک در محله ها و معابر نامناسب، عدم استحکام بناها و مقاومت پذیری آن ها در برابر زلزله از دیگر ویژگی های فیزیکی در محلات حاشیه شهر یاسوج است. نداشتن پروانه ساخت از دیگر مشکلات این محلات می باشد که بیش از ۷۴ درصد ساکنین در این محله بدون پروانه و مجوز ساخت ساختمان هایی بدون استحکام و ناماسازی ساخته اند.

با وجود عوامل یاد شده در این میان دست های پنهان زمین خواران در اطراف شهر یاسوج را نباید نادیده گرفت. زمین خواری در اطراف یاسوج مهمترین دلیل از سوی افراد مختلف برای توسعه خانه سازی بیان شده است. زمین خواران با تصرف زمین ها در ابعاد بالا اقدام به تفکیک این اراضی و فروش با اسناد دستی به مردم نیازمند با قیمت های اندک می کنند و در نهایت مردم نیز شروع به ساخت خانه های غیرمجاز می کنند که بدون شک دلیل عمده ایجاد بسیاری از شهرک های حاشیه ای اطراف یاسوج که بسیاری از آن ها حالا دیگر جزای از شهر نیز شده اند همین است که در این خصوص می توان به شهر مادوان، روستای بلهزار، شهرک فرودگاه اشاره کرد.

مسائل اقتصادی

در بررسی های به عمل آمده ساختار شغلی مردان در حاشیه یاسوج نشان می دهد شغل اکثر آن ها کارگری ست (۴۱ درصد) و پس از کارگری مشاغل آزاد از جمله رانندگی، مغازه داری، دست فروشی و ... از جمله مشاغل مردان در مناطق حاشیه نشین شهر می باشد. با توجه به بررسی های به عمل آمده تعداد زیادی از تکدیگران، دوره گردان و دستفروشان شهر یاسوج متعلق به مناطق حاشیه نشین شهر می باشند. در حدود ۳۸ درصد ساکنین حاشیه (اعم از کودک، زن و مرد) مشغول به این گونه کارها می باشند. در حدود ۱۰ درصد فعالیت اقتصادی در خانه دارند و در حدود ۱۴ درصد ساکنین درآمدی غیر از درآمد شغلی دارند، که این گروه رفاه بیشتری را در زندگی شخصی خود دارا هستند.

یکی از مسایل مهمی که ساکنان بافت های حاشیه ای یاسوج با آن مواجهند مسئله بیکاری و ناپایداری درآمدی است. چرا که این گروه از افراد عموماً فاقد مشاغل رسمی بوده و به این خاطر از امنیت شغلی و پایداری درآمدی برخوردار نیستند. فقدان مشاغل پایدار و رسمی برای ساکنان، تأثیرات نامطلوبی بر معیشت خانوارها و به تبع آن ارکان مختلف زندگی آن ها داشته باشد. مسئله بیکاری و عدم دسترسی به مشاغل مناسب و

پایدار از جمله مواردی است که طی جلسات و مصاحبه های انجام شده با ساکنان بارها مورد تأکید آن ها قرار گرفته و به عنوان یکی از دغدغه های اصلی خانوارها مطرح شد. در حدود ۵۳ درصد خانوارهای ساکن در حاشیه شهر یاسوج از این مشکل یاد می کردند.

با بررسی درآمد ماهیانه خانوار مشخص گردید که سه چهارم خانوارهای مورد بررسی به رغم پرجمعیت بودن درآمدی زیر ۴۰۰ هزار تومان در ماه دارند و با توجه به خطر فقر شهری، بیش از ۸۵ درصد خانوارهای مورد بررسی در مناطق حاشیه یاسوج زیر خط فقر می باشند. علاوه بر این بیش از چهار پنجم ساکنان نیز معتقدند که فقر در این مناطق زیاد است. ۵۳/۹ درصد پاسخگویان بیان داشته اند که دارای مشکلات مالی می باشند و عمده ترین مشکلات مالی آن ها بی پولی و نداشتن درآمد برای تأمین معاش خانواده بوده است. بنابراین قرارگرفتن در حاشیه شهر و غیررسمی بودن محلات هدف علاوه بر مسایل و مشکلاتی که از نظر تأمین خدمات و نیازها برای ساکنان به وجود آورده است، تأثیرات نامطلوبی نیز بر پویای محلات دارد. چرا که وضعیت نامطلوب این محلات در عرضه های مختلف مانع بزرگی در راه جذب سرمایه برای محله و ارتقای کیفیت های زندگی درون آن به وجود آورده است. فرسودگی، کیفیت نامطلوب فضای شهری، ناامنی و بعضاً برچسب اجتماعی منفی که در خصوص این محلات وجود دارد سبب شده است که تمایل سرمایه گذاران خصوصی برای ورود به این محلات کاهش یافته و از طرف دیگر، مازاد سرمایه های تولیدی در محلات نیز از محلات خارج شود.

مشارکت پایین اجتماعی و عدم تعلق روحیه شهروندی

براساس یافته های این پژوهش میزان مشارکت اجتماعی در قالب یافتگی و تشکل های مدرن در میان ساکنان مناطق حاشیه نشین بسیار ضعیف بوده و عمدتاً مشارکت آن ها به صورت اشکال اولیه، سنتی و ناپیوسته بوده است، یعنی از طریق روابط مبتنی بر تبار و طایفه خویشاوندی عمل می کنند. به این معنی که گروه های مشارکت کننده یا گروه های مشارکت کننده یا گروه های قومی اند و یا کسانی که مجاورت مکانی دارند و همسایه اند.

نکته حائز اهمیت دیگر در زمینه مسائل حاشیه نشینی غیر از حاشیه نشینی اقتصادی این افراد، بحث حاشیه نشینی اجتماعی و سیاسی آن ها نیز مطرح است. زیرا این افراد نمی توانند در نهادهای شهری یا در سازمان های رسمی و نهادهای غیردولتی حضور و مشارکت یابند و همین امر موجب می شود که به رغم این که طبقات پایین، بیشترین

مشکلات شهری را دارند اما به دلیل عدم مشارکت اجتماعی (یا به حاشیه رانده شدن)، مجال آن را نمی یابند تا از راه های قانونی به تعریف و برجسته سازی مشکلات خود بپردازند).

یافته های بررسی نشان می دهد که حدود یک چهارم پاسخگویان هیچ گونه احساس تعلق شهروندی نداشتند و اغلب این احساس را داشتند که شهر خانه آن ها نیست. هم چنین این احساس که بین آن ها و شهروندان حاضر در متن نظام شهری، یعنی کسانی که در طبقه بالای اجتماعی قرار دارند، تبعیض وجود دارد که همین امر موجب کاهش گسترش روحیه شهروندی در آن ها شده است. البته بررسی نشان می دهد که میزان اعتماد پاسخگویان به همسایگان خود در سطح محلات بافت اسکان غیررسمی شهر یاسوج که از آن به عنوان شاخص اعتماد به دگری عام استفاده می شود نسبتاً در حد بالای متوسط (۵۱، ۳) می باشد و میزان اعتماد به دگری تعمیم یافته (دیگران) کم می باشد و در ۴۸، ۱ ارزیابی شده است.

آسیب های اجتماعی

تأثیر حاشیه نشین ها برای تهدید امنیت اجتماعی

حاشیه نشین ها جزء مناطق مستعد ارتکاب جرم هستند، فقدان نظارت امنیتی کافی وجود تعداد زیادی افراد نیازمند و بیکار، سطح پایین سواد، فقدان روشنایی کافی در معابر و وضعیت جغرافیایی بعضی مناطق همه باعث می شود مجرمین به راحتی در آنجا پناه گیرند و تا زمانی که این عوامل زمینه ساز وجود داشته باشد این مناطق بالقوه جرم خیز خواهند ماند. جوانان حاشیه نشین با فرهنگ ویژه روزها عازم مرکز شهر می شوند تا کاری دست و پا کنند. با توجه به فقدان تخصص و آموزش کافی، عمدتاً به کار دستفروشی، پهن کردن بساط، سیگار فروشی، کار در میدان تره بار و... می پردازند و به این ترتیب به صورت زائده فعالیت های شهری در می آیند. این مشاغل غیر تخصصی و زائد خود به عنوان یک عامل سوق دهنده بسوی جرم عمل می کنند. به عنوان مثال در یک مطالعه مربوط به مشاغل افراد معتاد، همه افراد نمونه مشاغل کاذب و غیر تخصصی داشتند. از دیگر جرائم مطرح در حاشیه نشین ها وجود دارد منکراتی است که به دلیل بروز بیماری های تناسلی و ایدز، اهمیت خاص دارد.

جهت تاثیر گذار محیط زندگی بر ارتکاب جرایم:

قطعا در وقوع جرم محیط اعم از محیط اجتماعی و محیط زندگی تاثیر بسزایی دارد. و این امر به اثبات رسیده و در حال حاضر جرم شناسان، جامعه شناسان و حقوقدانان آن

را مورد پذیرش قرار داده اند و نظریات و نتیجه تحقیقاتی که انجام شده و به برخی از آنها اشاره شد مبین تاثیر گذاری محیط در وقوع جرایم می باشد

اعمال مجرمانه یا بزهکارانه در بعد از شکل گرفتن حاشیه

سرقت: سرقت از جمله جرایم علیه اموال است و جرم شناسان عللی را برای آن برشمرده اند از جمله فقر و نیاز مالی، بیکاری، اعتیاد، انتقامجویی و کینه و حسد. بیشتر علل یاد شده را می توان در مناطق حاشیه نشین مشاهده نمود. در بیشتر موارد این افراد در محلهای مرفه نشین، یا متوسط شهر اقدام به سرقت می نمایند. در مناطق حاشیه نشین سرقت برق، آب و گاز و تلفن نیز شایع است. چون این مناطق خصوصا در مراحل اول شکل گیری آن فاقد خدمات فوق هستند به نحوی از انحاء و با انجام سیم کشی ها و لوله کشی های پنهانی اقدام به سرقت آب، برق، گاز و تلفن از نزدیکترین محل ممکن (اعم از مسکونی، صنعتی، تجاری و خدماتی) می نمایند.

قتل عمد: تعارض خرده فرهنگها، خصومت و اختلافات دیرینه، سودجویی و تحصیل اموال، جریحه دار شدن غیرت و آبرو و نزاعهای اتفاقی و اعتیاد از جمله علل وقوع قتل می باشد. این علل و عوامل به روشنی در مناطق حاشیه ای قابل رویت می باشد. بیشتر قتلهای اتفاق افتاده یا در این مناطق صورت می گیرد یا توسط کسانی که در این مناطق زندگی کرده اند به وقوع می پیوندد.

نزاع های دسته جمعی: از جرایم شایع در مناطق حاشیه ای می باشد چون ساکنین این مناطق معمولا مهاجرین از روستاها و ایلها می باشند و معمولا در یک محل و در نزدیک هم سکنی می گزینند و در مواقعی به سبب درگیری های جزئی حادث شده بین دونفر و حتی کودکان نزاعهای دسته جمعی شدیدی که معمولا منجر به کشته و زخمی شدن عده ای از منازعه کنندگان می شود، رخ می دهد.

۴- تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست: ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر داشته است: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه، زباله در خیابان ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می باشد و مرتکبین چنانچه مطابق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یکسال محکوم خواهند شد». در مناطق حاشیه نشینی، فاضلاب منازل در کوچه ها رها شده، جدول کشی و کانال

کشی مناسبی جهت هدایت این آبهای کثیف وجود ندارد و این آبها در سطح کوچه ها در جریان است. خدمات شهری مثل جمع آوری و دفع زباله به آن شکلی که در داخل شهرها وجود دارد در این مناطق دیده نمی شود و در برخی از منازل احشام نگهداری می شود و فضولات آن در منزل و محله منتشر می شود. کشتارهای غیرمجاز و غیر بهداشتی در این مناطق صورت می گیرد و همه این موارد از مصادیق جرم تهدید علیه بهداشت عمومی و محیط زیست می باشد که قابل تعقیب کیفری هستند. همچنین تخلقات بهداشتی که در اماکن عمومی مناطق حاشیه ای مثل مغازه ها و نیز آلودگی های صوتی و آلودگی هوا که در این مناطق مشهود است نیز از همین نوع می باشد. اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی: توزیع مواد مخدر در این مناطق به راحتی امکان پذیر است و آن هم ناشی از احساس امنیتی است که توزیع کنندگان این مواد در آن مناطق دارند. و بلحاظ فقر علمی و آگاهی ساکنین این مناطق و بیکاری وسیع و جهت رهایی یافتن مقطعی از برخی فشارهای روحی و غیره میل به استعمال مواد مخدر در این مناطق بیشتر می باشد. برخی از جوانان بیکار و حتی نوجوانان شغل و حرفه خود را خرید و فروش مواد مخدر قرار داده اند و یا مکان و وسایل استفاده از آن را در اختیار متقاضیان قرار می دهند و از این راه به کسب سود ناآل می آیند.

راهکارهای مناسب برای جلوگیری از گسترش حاشیه نشینی:

در این زمینه باید به دو اصل توجه داشت یکی ریشه یابی مشکلات اجتماعی نظیر حاشیه نشینی و دیگری برنامه ریزی علمی برای بر طرف نمودن موانع و عوامل پیدایی و گسترش یک پدیده اجتماعی است.

در برخورد با پدیده حاشیه نشینی باید به جای توجه به معلول، بروز علت ها را مورد بررسی قرار داد و با برنامه ریزی جامع و علمی برای بر طرف کردن این پدیده تلاش کرد. بنابراین امکان از بین بردن این معضل اجتماعی وجود دارد به شرط اینکه شناخت و برنامه ریزی علمی جانشین برنامه ریزی مقطعی، ظاهری و یا ساده پنداری شود.

اختلاف سطح توسعه در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان شهر و روستا یکی از عوامل عمده مهاجرت روستاییان به شهرها و در نتیجه بروز گسترش پدیده حاشیه نشینی است و تا زمانی که این اختلاف سطح از بین نرود، همچنان مهاجرت از روستا به شهرها و نیز ایجاد مناطقی به نام حاشیه ادامه دارد.

از بین بردن اختلاف سطح میان روستا و شهر بدین معنا نیست که روستاها به شهر تبدیل شوند و یا همه امکاناتی که در شهرها وجود دارد باید در روستاها فراهم شود

بلکه باید امکانات در زمینه های یاد شده که موجب این اختلاف سطح گردیده در معیاری معقول و مناسب در روستا ایجاد شود تا موجب اقامت و ماندگار روستاییان در روستاها و نیز مانع مهاجرت های انبوه آنان به شهرها شود.

اعتیاد و فروش مواد مخدر یکی از مسائل و آسیب های اجتماعی و خیم و بحرانی در مناطق حاشیه نشین است به طوری که بیش از ۵۰ درصد پاسخگویان به فروش مواد مخدر و اعتیاد بالا در میان افراد ساکن در منطقه اشاره کرده اند. هم چنین با مشاهدات میدانی می توان فهمید چهره بسیاری از ساکنان این مناطق بویژه جوانان به اعتیاد آلوده است. هم چنین ۴۴ درصد از پاسخگویان ساکن در سطح بافت اسکان غیررسمی شهر یاسوج اعلام کرده اند که شاهد درگیری افراد نا اهل در محلات بوده اند.

هم چنین وندالیسم در مناطق حاشیه نشین شهر یاسوج به شدت زیاد می باشد که عمدتاً شامل شکستن چراغ های خیابان، تخریب باجه های تلفن، شکستن شیشه ها و حتی پاره کردن صندلی اتوبوس هایی که مختص عبور و مرور به این مناطق است، می باشد. وندال ها در این مناطق عمدتاً نوجوانان و جوانان پسر می باشند که اغلب مجرد و از نظر تحصیلی ناموفقند و دچار سر خوردگی های خانوادگی، تحصیلی، اجتماعی، و شغلی می باشند.

مشکلات زندگی حاشیه نشینی و خدمات و امکانات این نواحی

زندگی در حاشیه از یک سو می تواند تهدیدها و مسائلی برای نظام شهری ایجاد کند و از سوی دیگر زندگی حاشیه ای و در حاشیه ماندن، مسائل و مشکلات عدیده ای را برای ساکنان این مناطق به دنبال داشته است. مهم ترین مشکلات محلات حاشیه نشین کمبود بهداشت و افزایش زباله ها و عدم دفع به موقع آن، جاری شدن فاضلاب خانگی در معابر عمومی، آلودگی هوا و صوتی و افزایش بیماری های عفونی و واگیردار .

خدمات شهری مانند جمع آوری و دفع زباله به آن شکلی که در داخل شهرها وجود دارد در این مناطق دیده نمی شود. البته شهرداری یاسوج در برخی از این مناطق هفته ای دو بار زباله ها را جمع آوری می کند اما به دلیل عدم فرهنگ سازی مناسب، برخی شهروندان این مناطق، همکاری لازم را در زمینه جمع آوری زباله در روزها و ساعات معین انجام نمی دهند. این موضوع توسط اهلی این مناطق نیز ذکر شده است.

فاضلاب شهری در محلات شهر یاسوج وجود ندارد و چاه فاضلاب داخل منازل ایجاد شده است. جدول کشی و کانال کشی مناسبی جهت هدایت آب های جاری ناشی از نزولات جوی وجود ندارد و این آب ها در سطح کوچه ها در جریان است. در برخی از

منازل احشام نگهداری می شود و فضولات آن در منزل و محله منتشر می شود. حتی گاه این احشام در سطح فضاهای عمومی محله دیده می شوند. قرارگیری بخشی از واحدهای مسکونی پهنه در داخل حریم خطوط فشار قوی برق از دیگر مسایلی است که در بلند مدت تأثیرات آن بر سلامت جسمی و روحی ساکنان مشخص می شود. البته در این مناطق حاشیه نشین به دلیل نبودن برق شهری ساکنان با استفاده از کابل و سیم کشی های خودسرانه از دکل های برق فشار قوی روشنایی را به منازل خود می آورند که از نظر حقوق شهروندی حرکت درستی نیست. وجود حشرات موذی بویژه پشه و مگس به تبع رهاشدگی فاضلاب های خانگی در کوچه ها و جوی معابر و تجمع زباله در فضاهای باز و رها شده در سطح این محدوده یکی از معضلات بهداشتی می باشد. از عمده نگرانی های مردم ساکن در این حاشیه ها آلودگی آب و بهداشتی نبودن آن است که باعث بیماری های پوستی شده است.

نتیجه گیری

آنچه که اکنون بعنوان حاشیه نشینی شناخته شده جزء جریان دیرپا و تاریخی مهاجرت جمعیتی جویای کار و رفاه و گریزان از روستاها و شهرهای کوچک به لحاظ دافعه های آن و نیز پس رانده شدن فقرا از درون شهرها به حاشیه آن، چیز دیگری نیست و این فرایند معلول طبیعی توسعه است و تا زمانی که حاشیه ها در برابر شهرها قرار گیرد حاشیه نشینی پدیده ای ناهنجار و ناپذیرفتنی است ولی زمانی که به پیشینه تاریخی این پدیده نگریسته شود آن را یک جریان دائمی، ماندگار و گریز ناپذیر و حتی به عقیده برخی کارشناسان لازم و مفید برای توسعه می دانند. پس این عقیده که باید مناطق حاشیه نشینی را تخریب کرد قابل دفاع نمی باشد و می بایست با ساماندهی آن و فراهم کردن امکانات مورد نیاز برای حاشیه نشینان و کم کردن فاصله و خلاء موجود بین آنها و شهرنشینان اقدام کرد و این امور که از لوازم و مقدمات پیشگیری و کاهش میزان جرایم در این مناطق است امکان پذیر نمی باشد مگر با مشارکت و همکاری و همدلی کلیه دستگاه های مسئول.

اگر چنین مشارکتی صورت پذیرد و راهکارهای توصیه شده در قبل بکار گرفته شود مطمئنا نظاره گر ایجاد و گسترش حاشیه نشینی در کشور و به تبع آن گسترش جرم و جنایات نخواهیم بود. مناطق حاشیه نشین در شهرها هر چند که به صورت بی رویه، کنترل و سازماندهی نشده بوجود آمده است ولی از دید اجتماعی ضروری است که با شناخت مسایل و مشکلات حاشیه نشینان به طور عام و کنترل و تنظیم خانواده به طور

خاص راه حل اساسی در ارتباط با رفع نیازهای بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این قشر عظیم که بصورت بیمارگونه در شهرها بوجود آمده است جستجو و اعمال گردد. تا ضمن رفع مسایل و مشکلات فردی و خانوادگی به حل مسایل و مشکلات شهری هم تا حدودی مساعدت شود. از طرفی دیگر امروزه هر چند مسئولین به امر تنظیم خانواده دقت و توجه خاصی دارند، اما در مناطق حاشیه نشین به دلایل ساختار فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی هنوز سطح باروری زنان در مقایسه با سایر زنان شهری از میزان بالاتری برخوردار می باشد که این امر در بلند مدت در گسترش حاشیه نشینی و افزایش آن تاثیرگذار است

از آنجا که سکونتگاه های غیررسمی خاص کشور ما نیست، تلاش های مربوط به حل آن سابقه زیادی دارد. این تلاش ها را می توان به صورت یک پیوست در نظر گرفت که در یک سوی آن نادیده گرفتن و تلاش برای نابودی و پراکنده کردن این اجتماعات است و در سوی دیگر تلاش برای ارائه مسکن، دادن امکانات و خدمات و شرایط زندگی به آنان است. هر کشور با توجه به امکانات اقتصادی و شرایط سیاسی خود یک راه حل بر می گزیند. در ایران بخشی از طرح ها و برنامه هایی که انجام شده بیشتر مبنی بر صاف کردن و بازسازی مناطق حاشیه ای و تبدیل آن به مکان های آموزشی، ورزشی و فرهنگی بوده است و کمتر به توسعه مشارکت های اجتماعی و توانمند سازی اسکان غیررسمی توجه شده است.

با شناسایی آسیب های این مناطق و فراهم ساختن بسترهای مشارکت محلی و تقویت نهادهای مردمی می تواند تهدید غیررسمی را به فرصتی برای شهروند سازی و بهبود کیفیت زندگی این مناطق تبدیل کند. از این رو راه حل اساسی حاشیه نشینی، در توسعه متوازن و پایدار درون زای شهری، تأمین عدالت اجتماعی، کاهش نابرابری های اقتصادی و فرهنگی در بین اقشار مختلف جامعه و مناطق مختلف کشور خواهد بود.

هنگامی که در جامعه روستایی، شهری و یا ایلاتی و عشایری تغییرات بنیادی در زمینه فعالیت های اقتصادی و روابط اجتماعی بوجود می آید. مازاد نیروی انسانی تولید می گردد تا به مراکز بزرگ شهری که جایگاه تراکم و تمرکز ثروتهاست سرازیر می شود اما از آنجا که شهرها امکانات کافی برای جذب این نیروی انسانی را ندارد آنها را پس زده و به حاشیه یا جایی که حداقل امکانات عرضه می شود، می کشاند. پس زمانی که روستاییان فاقد امکانات از انزوا می گریزند و به حاشیه شهرها روی می آورند در حقیقت به نوعی انتخاب دست می زنند آنان فلاکتی را رها می کنند و در فلاکتی دیگر رها می شوند

بتدریج که بر تعداد آنان افزوده می‌گردد کانونهایی با شکل فیزیکی خاص که با فرم مساکن متعارف شهری است ایجاد می‌شود که زمینه را برای بوجود آوردن منطقه حاشیه نشینی فراهم می‌کند.

برای هر حرکت که منجر به مهاجرت و نهایت به حاشیه نشینی شود عواملی را می‌توان ذکر کرد که عمده ترین آنها دو عامل اساسی «گریزاننده» و «جذب کننده» می‌باشد گروههای مهاجر بیشتر بر اثر نیروی دافعه در روستا و در بعضی موارد عامل جذب کننده شهرها مهاجرت می‌کنند. زمانی که عامل «پس ران» شهری (هزینه سنگین زندگی) مختلف الجهت با دو نیروی پیشین، سدی بزرگ فرا روی مهاجرت در متن اصلی شهر قرار می‌دهند هسته های اولیه تجمعات حاشیه نشینی پی ریزی می‌شود. بنابراین سه روش فراروی مدیران و برنامه ریزان شهری در ایران برای دستیابی به توسعه متوازن قرار دارد:

۱- تصور بیرون راندن مهاجران از شهر یا کوشش در این جهت. این تاکتیک را برخی تاکتیک ورود ممنوع خوانده اند. در ایران بعد از انقلاب با صدور کارت سکونت شهری چنین سیاستی اعمال شد اما مؤثر واقع نشد.

۲- نادیده گرفتن حاشیه‌نشینی و تصور این که چیزی اتفاق نیافتاده است و انتظار بر این که موضوع خود به خود حل شود.

۳- قبول واقعیت حاشیه‌نشینی از جانب مسئولان و سپس کنترل و هدایت آن در چهارچوب طرح های توسعه شهری، به گونه ای که از جمعیت جدید که به شهرها سرازیر می‌شوند، برای توسعه و ازدیاد ثروت ملی استفاده کنند. در این باره جمعیت مهاجر جدید در روند شهرنشینی و توسعه شهرها به خدمت گرفته می‌شود (پور احمدی و شعاعی، ۱۳۸۰: ۸۲).

راه حل سوم به رسمیت شناختن پدیده حاشیه‌نشینی و تلاش برای ساماندهی مسئله را بیان می‌کند. در قالب این راه حل مهندسی اجتماعی، توانمند سازی، ارتقای دسترسی به خدمات اجتماعی و تحقق استراتژی توسعه پایدار درون زای شهری مورد توجه قرار می‌گیرد.

در پایان برای مناطق حاشیه شهر یاسوج رویکردهای مداخله زیر پیشنهاد می‌گردد:

✓ بازرسی و نظارت کافی کارشناسان بهداشت و محیط زیست از مناطق حاشیه نشینی و جلوگیری از انجام اقدامات علیه بهداشت عمومی و محیط زیست.

- ✓ درتصویب طرحها و برنامه های و پروژه های مهم شهری از نظریه جامعه شناسان، حقوقدانان و علی الخصوص جرم شناسان استفاده شود.
 - ✓ پیشنهاد راهکارهایی جهت پیشگیری و کاهش جرایم در مناطقی که هنوز حاشیه نشینی در آن رواج نیافته ولی مستعد برای حاشیه نشینی می باشد
 - ✓ ارتقای کیفیت زندگی سکونت گاه های غیررسمی چیزی بیش از سکونت آن ها است و باید به سرعت دستور کار طرح های توانمند سازی قرار گیرد.
 - ✓ ضرورت توجه همزمان به ارتقاء توانمندی هاس اجتماعی و اقتصادی همراه با ارتقاء محیط زندگی در سکونت گاه های غیررسمی
 - ✓ در ساماندهی اسکان های غیررسمی شهر یاسوج حتی المقدور اولویت بر ارتقاء محلات موجود باشد و از جابجایی و اسکان مجدد سکونتگاه ها مگر در موارد اضطراری (جرای مطبوعی و مصنوع و....) پرهیز گردد.
 - ✓ مشارکت واقعی اجتماع محلی و بسترسازی برای ایجاد تشکل های مردمی می بایست هدف اصلی برنامه های توانمند سازی در این مناطق باشد.
 - ✓ برانگیختن کارآفرینی متکی بر سرمایه های انسانی / اجتماعی محلات
 - ✓ پیوند سکونتگاه های غیررسمی به اقتصاد شهری و منطقه ای در جهت جذب سرمایه، راه های ایجاد درآمد و ارتقا وضعیت اقتصادی سکونتگاه های غیررسمی.
 - ✓ توجه به گروه های خاص مانند زنان، کودکان، سالمندان در فرآیند تهیه برنامه
 - ✓ توجه به ارائه الگوی پایدار توسعه متناسب با ویژگی های اجتماعی - اقتصادی هر محله
- ✓ ۲. با بررسی اقلیم آب و هوایی در کل جهان می توان دریافت که خشک سالی پدیده ای جهانی و رو به رشد است با تمرکز روی این موضوع و گسیل داشتن نیروهای متخصص به روستاها می توان به گسترش کشت و برداشت محصولاتی روی آورد که کمتر نیاز به آب داشته و موجب افزایش درآمد خانوارهای روستایی گردید.
 - ✓ ۳. با بردن صنایع تولیدی و اشتغال زا به شهرهای کم جمعیت و روستاها می توان جوانان را از معضل بیکاری رهانید و آن ها را صاحب درآمد، خانه و خانواده کرد. که این خود موجب پایبندی جوانان در مناطق خود می شود.
 - ✓ ۴. پرداختن به مزایای زندگی روستایی از قبیل آب و هوای سالم، هزینه های کم زندگی، نزدیکی به اقوام، داشتن مسکن مستقل و شخصی و در مقابل نشان دادن

- معضلات و سختی های زندگی شهری و آپارتمان، نشینی، هوای آلوده، ترافیک شهری، هزینه زیاد زندگی و هم چنین چهره بد زندگی حاشیه نشینی در صدا و سیما.
۵. ✓ فراهم کردن حداقل امکانات رفاهی از قبیل ورزشگاه، سینما، مجموعه های آموزش عالی بیمارستان، و....
۶. ✓ تولید مسکن اجتماعی در سطح انبوه واگذاری آن
۷. ✓ در نظر گرفتن اقشار کم درآمد به ویژه مهاجران در طرح ها و برنامه های توسیعی شهری، ملی و منطقه ای
- ✓ فعال نمودن شهرهای کوچک و میانه اندام در نظام شهری کشور
- ✓ ایجاد و احداث صنایع روستای منطبق با ساختار معیشتی نواحی
- ✓ حمایت دولت از اقتصاد روستایی به ویژه در بخش کشاورزی
- ✓ توزیع عادلانه ثروت بین حاشیه و مرکز و بین روستا و شهر
- ✓ نظارت مستمر و دقیق بر چگونگی توسعه شهرها و اعمال ضوابط و مقررات مصوب
- ✓ تهیه و اجرای برنامه های آمایش سرزمین در سطوح خرد و کلان
- ✓ تهیه طرح ملی و جامع اسکان کم درآمدها
- ✓ اعطای تسهیلات ویژه به سرمایه گذاران نواحی حاشیه ای و غیرفعال کشور
- ✓ ارائه یارانه تأمین مسکن مناسب به اقشار کم درآمد به ویژه مهاجران کم درآمد
- ✓ در نظر گرفتن همه اقشار و گروه ها در برنامه ریزی های کشور
- ✓ شناسایی نقاط قوت و قابلیت های اقتصادی موجود در روستاها و شهرهای کوچک و تقویت آن ها

منابع و مأخذ:

۱. ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا، (۱۳۸۲)، «جامعه شناسی توسعه»، تهران، انتشارات کیهان
۲. پوراحمد، احمد، شعاعی، علی، (۱۳۸۰)، «توسعه فیزیکی شهر یزد و تأثیر آن بر ساختار جمعیت بتفت قدیم شهر»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸
۳. توسلی، علام عباس، (۱۳۸۸)، «جامعه شناسی شهری»، تهران، دانشگاه پیام نور
۴. حاج یوسفی، علی، (۱۳۸۱)، «حاشیه نشینی شهری و فرایند تحول آن (قبل از انقلاب اسلامی)»، فصلنامه عمران و بهسازی شهری هفت شهر، سال سوم، شماره هشتم.
۵. جمشیدی ها، غلامرضا، عنبری، موسی، (۱۳۸۳)، «تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین افغانی» نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳
۶. جواهری پور، مهرداد، (۱۳۸۳)، «ساختار یابی اقتصادی اجتماعی اسکان غیر رسمی (مطالعه موردی در منطقه کلانشهر تهران)»، در حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی (مجموعه مقالات)، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

۷. فیالکوف، یانکل، (۱۳۸۳)، «جامعه شناسی شهر»، مترجم: عبدالحسین نیک گوهر، تهران، انتشارات آگه
۸. ضرابی، اصغر و مهتری اذانی، (۱۳۸۰)، «توسعه پایدار در جهان صنعتی و در حال توسعه»، تهران، مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۵۹.
۹. طالقانی، محمود، (۱۳۶۹)، «مطالعه جامعه شناسی شهر تهران»، جلد اول مسکن، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
۱۰. هادی زاده، مریم، (۱۳۸۳)، «حاشیه نشینی و راه کارهای ساماندهی آن در جهان»، مشهد، شهرداری مشهد
۱۱. نقدی، اسد....، (۱۳۸۲)، «درآمدی بر جامعه شناسی شهری، انسان و شهر»، همدان، انتشارات فن آوران
۱۲. Lagarias A., ۲۰۰۵, (In Greek) "Cities are fractals; Applications of fractal geometry in the study of urban space", o Hellenic Conference 'Urban and regional planning & regional development', new trends- new researchers', Volos, May ۲۰۰۵
۱۳. Shen G., ۲۰۰۲, "Fractal dimension and fractal growth of urbanized areas" Int. j. geographical information science, ۲۰۰۲ vol. ۱۶, no.۵/۴۱۹-۴۳۷
۱۴. Soja E., ۲۰۰۰, Post metropolis, Critical studies and regions, Blackwell Publishing Ltd. USA
۱۵. Batty M., ۲۰۰۵, Cities and complexity: Understanding cities with Cellular Automata, Agent-Based models, and Fractals, MIT Press, Cambridge, Massachusetts, London, England.